

## زیارت ناحیه مقدسه

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صِفْوَةِ اللَّهِ مِنْ خَلِيقَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى شَيْثٍ وَوَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ،

سلام بر آدم، برگزیده خداوند از بین آفریدگانش؛ سلام بر حضرت شیث، ولی خدا و انتخاب شده او،

السَّلَامُ عَلَى إِدْرِيسَ الْقَائِمِ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى نُوحٍ الْمُجَابِ فِي دَعْوَتِهِ،

سلام بر جناب ادريس، برپادارنده حجت الهی؛ سلام بر نوح، پاسخ داده شده در دعایش؛

السَّلَامُ عَلَى هُودِ الْمَمْدُودِ مِنَ اللَّهِ بِمَعُونَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى صَالِحِ الَّذِي تَوَجَّهَ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ.

سلام بر هود که از طرف خداوند کمک‌های بسیار به او شد؛ سلام بر صالح که خداوند به او تاج کرامت و بزرگواری بخشید.

السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ الَّذِي حَبَاهُ اللَّهُ بِخُلَّتِهِ،

سلام بر ابراهیم که خداوند مقام خلّت و دوستی ویژه خود را به او بخشید؛

السَّلَامُ عَلَى إِسْمَاعِيلَ الَّذِي فَدَاهُ اللَّهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ مِنْ جَنَّتِهِ،

سلام بر اسماعیل که خداوند قربانی بزرگی از بهشت را فدیهِ او قرار داد (و او را آزاد نمود)،

السَّلَامُ عَلَى إِسْحَاقَ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ النُّبُوَّةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ،

سلام بر اسحاق که خداوند پیامبری و نبوت را در نسل او قرار داد؛

السَّلَامُ عَلَى يَعْقُوبَ الَّذِي رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بَصَرَهُ بِرَحْمَتِهِ،

سلام بر یعقوب که خداوند با رحمتش نور چشمانش را به وی بازگردانید؛

السَّلَامُ عَلَى يُوسُفَ الَّذِي نَجَّاهُ اللَّهُ مِنَ الْجُبِّ بِعَظَمَتِهِ.

سلام بر یوسف که خداوند به عظمتش او را از چاه نجات بخشید.

السَّلَامُ عَلَى مُوسَى الَّذِي فَلقَ اللَّهُ الْبَحْرَ لَهُ بِقُدْرَتِهِ،

سلام بر موسی که خداوند دریا را با نیروی خودش برای او شکافت؛

السَّلَامُ عَلَى هَارُونَ الَّذِي خَصَّهُ اللَّهُ بِنُبُوتِهِ،

سلام بر هارون که خداوند او را به پیامبری خود مخصوص گردانید؛

السَّلَامُ عَلَى شُعَيْبٍ الَّذِي نَصَرَهُ اللَّهُ عَلَى أُمَّتِهِ،

سلام بر شعیب که خدا او را بر اُمتش پیروز کرد؛

السَّلَامُ عَلَى دَاوُدَ الَّذِي تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ خَطِيئَتِهِ.

سلام بر داود که خدا توبه او را از خطا و اشتباهش پذیرفت.

السَّلَامُ عَلَى سُلَيْمَانَ الَّذِي ذَلَّتْ لَهُ الْجِنُّ بِعِزَّتِهِ،

سلام بر سلیمان که جنیان به واسطه عزّتش، در مقابلش فروتن شدند؛

السَّلَامُ عَلَى أَيُّوبَ الَّذِي شَفَاهُ اللَّهُ مِنْ عِلَّتِهِ،

سلام بر ایوب که خدا از بیماری و گرفتاری بهبودش بخشید؛

السَّلَامُ عَلَى يُونُسَ الَّذِي أَنْجَزَ اللَّهُ لَهُ مَضْمُونَ عِدَّتِهِ،

سلام بر یونس که خداوند وعده اش را برای او وفا کرد؛

السَّلَامُ عَلَى عَزِيزٍ الَّذِي أَحْيَاهُ اللَّهُ بَعْدَ مَيِّتَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى زَكَرِيَّا الصَّابِرِ فِي مِحْنَتِهِ،

سلام بر عزیز که خداوند او را پس از مردن دوباره زنده کرد؛ سلام بر زکریا که در محنت و اندوهش شکیبایی ورزید؛

السَّلَامُ عَلَى يَحْيَى الَّذِي أَرْزَلَهُ اللَّهُ بِشَهَادَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ وَكَلِمَتِهِ.

سلام بر یحیی که خدا با مقام شهادتش او را منزلت داد؛ سلام بر عیسی که روح خدا و کلمه الهی بود.

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ وَصِفْوَتِهِ،

سلام بر حضرت محمد که محبوب و برگزیده پروردگار است؛

السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الْمَخْصُوصِ بِأُخُوَّتِهِ،

سلام بر امیر مؤمنان حضرت علی فرزند ابو طالب که برادری پیامبر ویژه او شد؛

السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ابْنَتِهِ،

سلام بر حضرت فاطمه زهرا، دختر رسول خدا؛

السَّلَامُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَصِيِّ أَبِيهِ وَخَلِيفَتِهِ،

سلام بر حضرت ابو محمد امام حسن که وصی پدرش و جانشین او بود؛

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الَّذِي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ،

سلام بر امام حسین که نفسش بزرگواری نمود با ریختن خون او (در راه خدا)؛

السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ،

سلام بر کسی که خدا را در پنهان و آشکارا فرمانبرداری کرد؛

السَّلَامُ عَلَى مَنْ جَعَلَ اللَّهَ الشُّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ،

سلام بر کسی که خداوند شفا را در خاک قبرش قرار داد؛

السَّلَامُ عَلَى مَنْ الْإِجَابَةُ تَحْتَ قُبَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ الْأَمَّةُ مِنْ دُرِّيَّتِهِ.

سلام بر کسی که اجابت و پاسخگویی خداوند به دعاها در زیر گنبد شریفش حتمی است؛ سلام بر کسی که امامان و پیشوایان اسلام از نسل او هستند .

السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ،

سلام بر فرزند آخرین پیامبران ، سلام بر فرزند سرور جانشینان،

السَّلَامُ عَلَى ابْنِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى،

سلام بر فرزند حضرت فاطمه زهرا، سلام بر فرزند خدیجه کبری،

السَّلَامُ عَلَى ابْنِ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ جَنَّةِ الْمَأْوَى، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ زَمْزَمَ وَالصَّفَا.

سلام بر فرزند سدره المنتهی (بالاترین مکان در بهشت)، سلام بر فرزند بهشتی که جایگاه آسایش است، سلام بر فرزند زمزم و صفا.

السَّلَامُ عَلَى الْمُرْمَلِ بِالدَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَهْتُوكِ الْخِبَاءِ،

سلام بر کسی که در خونش غلتید، سلام بر کسی که خیمه گاهش هتک حرمت شد ،

السَّلَامُ عَلَى خَامِسِ أَصْحَابِ أَهْلِ الْكِسَاءِ، السَّلَامُ عَلَى غَرِيبِ الْغُرَبَاءِ،

سلام بر پنجمین نفر از اصحاب کسا؛ سلام بر غریب غریبان،

السَّلَامُ عَلَى شَهِيدِ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَى قَتِيلِ الْأَدْعِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ كَرْبَلَاءَ،

سلام بر شهید شهیدان، سلام بر کشته شده به دست حرامزادگان؛ سلام بر

ساکن کربلا؛

السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَكَتَهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ ذُرِّيَّتُهُ الْأَزْكَيَاءُ.

سلام بر کسی که فرشتگان آسمان بر او گریستند؛ سلام بر کسی که فرزندانش پاک‌ترین و ناب‌ترین انسان‌ها بودند.

السَّلَامُ عَلَى يَعْسُوبِ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَى مَنَازِلِ الْبَرَاهِينِ،

سلام بر پادشاه دین؛ سلام بر منزلگاه‌های دلایل روشن الهی،

السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ السَّادَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْجُيُوبِ الْمُضَرَّجَاتِ،

سلام بر امامان والا و شرافتمند؛ سلام بر گریبان‌های خون آلوده؛

السَّلَامُ عَلَى الشُّفَاهِ الدَّابِلَاتِ، السَّلَامُ عَلَى النُّفُوسِ الْمُصْطَلَمَاتِ،

سلام بر لب‌های خشکیده، سلام بر جان‌های بلا دیده؛

السَّلَامُ عَلَى الْأَرْوَاحِ الْمُخْتَلَسَاتِ.

سلام بر روح‌های از بدن رها شده.

السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَادِ الْعَارِيَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْجُسُومِ الشَّاحِبَاتِ،

سلام بر پیکرهای عریان شده، سلام بر جسم‌های رنگ پریده،

السَّلَامُ عَلَى الدِّمَاءِ السَّائِلَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَعْضَاءِ الْمُقَطَّعَاتِ،

سلام بر خون های جاری شده، سلام بر عضوهای قطعه قطعه شده،

السَّلَامُ عَلَى الرُّؤُوسِ الْمُشَالَاتِ، السَّلَامُ عَلَى النُّسُوءِ الْبَارِزَاتِ.

سلام بر سرهای به نیزه رفته، سلام بر زنانی که نمودار گشته (از خیمه بیرون آمده).

السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ،

سلام بر حجت پروردگار جهانیان؛ سلام بر تو (ای حسین) و بر پدران پاکت؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَبْنَائِكَ الْمُسْتَشْهِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ذُرِّيَّتِكَ النَّاصِرِينَ،

سلام بر تو و بر فرزندان شهادت طلبت، سلام بر تو و بر نسل یاری کننده ات،

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُضَاجِعِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْقَتِيلِ الْمَظْلُومِ،

سلام بر تو و بر فرشتگان کنار آرامگاهت، سلام بر کشته ستمدیده،

السَّلَامُ عَلَى أَخِيهِ الْمَسْمُومِ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ الْكَبِيرِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّضِيعِ الصَّغِيرِ.

سلام بر برادر مسمومش (امام حسن علیه السلام)، سلام بر علی بزرگ (علی

اکبر علیه السلام)، سلام بر آن شیر خوار کوچک.

السَّلَامُ عَلَى الْأَبْدَانِ السَّلْبِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَى الْعِثْرَةِ الْقَرِيبَةِ (الْغَرِيبَةِ)،

سلام بر بدن هایی که (جامه های آنان) به تاراج رفته؛ سلام بر خاندان نزدیک  
به پیامبر،

السَّلَامُ عَلَى الْمُجَدِّلِينَ فِي الْفَلَوَاتِ، السَّلَامُ عَلَى النَّازِحِينَ عَنِ الْأَوْطَانِ،

سلام بر روی زمین افتادگان در بیابان ها؛ سلام بر دورشدگان از سرزمین خویش،

السَّلَامُ عَلَى الْمَدْفُونِينَ بِلَا أَكْفَانٍ.

سلام بر خاک سپرده شدگان بی کفن.

السَّلَامُ عَلَى الرَّؤُوسِ الْمُفَرَّقَةِ عَنِ الْأَبْدَانِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُحْتَسِبِ الصَّابِرِ،

سلام بر سرهای جدا شده از بدن ها؛ سلام بر کسی که مصائبش را به حساب  
خدا گذارد و شکیب بود؛

السَّلَامُ عَلَى الْمَظْلُومِ بِلَا نَاصِرٍ، السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ الثُّرْبَةِ الزَّكَايَةِ،

سلام بر ستمدیده بی یاور؛ سلام بر کسی که در خاک پاک سکونت گزید؛

السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الْقُبَّةِ السَّامِيَةِ.

سلام بر صاحب گنبدی بلندمرتبه.

السَّلَامُ عَلَى مَنْ طَهَّرَهُ الْجَلِيلُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ افْتَخَرَ بِهِ جَبْرَيْلُ،



سلام بر کسی که خدای بزرگ، او را پاک نمود؛ سلام بر کسی که جبرئیل به او افتخار می کرد،

السَّلَامُ عَلَى مَنْ نَاغَاهُ فِي الْمَهْدِ مِيكَائِيلُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ نُكِّتَتْ ذِمَّتُهُ،

سلام بر کسی که در گهواره میکائیل برایش لالایی می گفت؛ سلام بر آن که پیمانش را شکستند؛

السَّلَامُ عَلَى مَنْ هُتِكتْ حُرْمَتُهُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ أُرِيقُ بِالظُّلْمِ دَمُهُ،

سلام بر کسی که حرمتش را هتک نمودند؛ سلام بر کسی که خونش را به ناحق و با ستمکاری ریختند،

السَّلَامُ عَلَى الْمُغْسَلِ بِدَمِ الْجِرَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُجَرَّعِ بِكَأْسَاتِ الرَّمَاحِ،

سلام بر کسی که با خون جراحاتش شستشو داده شد، سلام بر کسی که از کاسه های نیزه ها جرعه نوشید،

السَّلَامُ عَلَى الْمُضَامِ الْمُسْتَبَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَنْحُورِ فِي الْوَرَى،

سلام بر کسی که بر وی ستم کرده و ریختن خونش را حلال شمردند؛ سلام بر او که جلو روی همه مردم سرش را از تن جدا کردند \_ و کسی چیزی نگفت \_،

السَّلَامُ عَلَى مَنْ دَفَنَهُ أَهْلُ الْقُرَى.

سلام بر آن آقای بزرگزاده ای که روستانشینان (بنی اسد) دفنش کردند .

السَّلَامُ عَلَى الْمَقْطُوعِ الْوَتِينِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُحَامِي بِلا مُعِينِ،

سلام بر آن که رگ گردن مبارکش بریده شد، سلام بر آن حمایتگر بی یاور،

السَّلَامُ عَلَى الشَّيْبِ الْخَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الْخَدِّ التَّرِيبِ،

سلام بر محاسن با خون خضاب شده، سلام بر آن گونه و رخسار خاك آلوده،

السَّلَامُ عَلَى الْبَدَنِ السَّلِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الثَّغْرِ الْمَقْرُوعِ بِالْقَضِيبِ،

سلام بر آن بدنی که لباس‌هایش به تاراج رفته، سلام بر آن دندان مبارکی که با چوب (خیزران) کوبیده شد،

السَّلَامُ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَامِ الْعَارِيَةِ فِي الْفَلَوَاتِ،

سلام بر آن سری که بر بالای نیزه رفت، سلام بر بدن‌هایی که بدون پوشش در بیابان‌ها افتاده بودند،

تَنْهَشُهَا الذُّنَابُ الْعَادِيَاتُ، وَتَخْتَلِفُ إِلَيْهَا السَّبَاعُ الضَّارِيَاتُ.

گرگ‌های متجاوز آن‌ها را دریدند و درندگان وحشی پیرامون‌شان رفت و آمد می‌کردند.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمَرْفُوفِينَ حَوْلَ قُبَّتِكَ،

سلام بر تو ای مولای من؛ و بر فرشتگانی که گرداگرد گنبد شریف‌ت بال‌گشوده اند؛

الْحَافِينَ بِتُرْبَتِكَ، الطَّائِفِينَ بِعَرَصَتِكَ، الْوَارِدِينَ لِزِيَارَتِكَ،

خاک پاکِ قبرت را در برگرفته اند؛ به طوافِ حرمت مشغول اند، و برای زیارتت وارد می شوند.

السَّلَامُ عَلَيْكَ فَإِنِّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ، وَرَجَوْتُ الْفَوْزَ لَدَيْكَ.

سلام بر تو؛ من به قصد زیارت تو آمده ام و امیدوارم نزد تو رستگار شوم.

السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامَ الْعَارِفِ بِحُرْمَتِكَ، الْمُخْلِصِ فِي وِلَايَتِكَ،

سلام بر تو؛ سلام کسی که عارف و آشنا به حرمت تو، و اخلاص دارنده در ولایت تو،

الْمُتَقَرِّبِ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِكَ، الْبَرِيِّ مِنْ أَعْدَائِكَ،

تقرب جوینده به سوی خدا با محبت تو، و بیزاری جوینده از دشمنانت می باشد،

سَلَامَ مَنْ قَلْبُهُ مُصَابِكَ مَقْرُوحٌ، وَدَمْعُهُ عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ،

سلام کسی که دلش از مصیبت تو جریحه دار، و اشکش با یاد تو ریزان است؛

سَلَامَ الْمَفْجُوعِ الْحَزِينِ الْوَالِهِ الْمُسْتَكِينِ،

سلام دردمندی اندوهگین و سرگشته ای بیچاره؛

سَلَامٌ مَّن لَوْ كَانَ مَعَكَ بِالطُّفُوفِ لَوَقَاكَ بِنَفْسِهِ حَدَّ السُّيُوفِ،

سلام کسی که اگر در آن صحرای کربلا همراهت بود به طور حتم تو را با جان خود در برابر تیزی شمشیرها نگهداری می کرد،

وَبَدَلَ حُشَاشَتَهُ دُونَكَ لِلْحُتُوفِ، وَجَاهَدَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَنَصَرَكَ عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيْكَ،

و نیمه جانی را که در پیکرش باقی مانده برای تو در معرض مرگ قرار می داد؛ و در پیشگاه تو به نبرد می پرداخت، و در مقابل ستمکاران بر تو، یاریت می کرد؛

وَفَدَاكَ بِرُوحِهِ وَجَسَدِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ، وَرُوحَهُ لِرُوحِكَ فِدَاءً، وَأَهْلَهُ لِأَهْلِكَ وَقَاءً.

و روح و جسم و دارایی و فرزندان خود را فدایت می ساخت، و روحش را فدای روح شریفیت می کرد و خانواده اش را به حفظ و نگهداری خانواده ات می گماشت.

فَلَمَّا أَخَّرْتَنِي الدُّهُورُ، وَعَاقَنِي عَن نَّصْرِكَ الْمَقْدُورُ،

پس اگر روزگار مرا از زمان تو دور داشته، و مقدرات مرا از یاریت باز داشت،

وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِبًا، وَلِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ مُنَاصِبًا،

و نبودم که با جنگجویانی که به جنگ تو آمدند بجنگم، و با دشمنانت بستیزم؛

فَلَأَنْدُبَنَّكَ صَبَاحًا وَمَسَاءً، وَلَأَبْكِيَنَّ لَكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمًا، حَسْرَةً عَلَيْكَ،

لیکن، هر صبح و شام بر تو ناله و زاری و شیون می کنم، و به جای اشک،  
برایت خون می گریم؛ از حسرتی که بر تو می خورم،

وَتَأْسُفًا عَلَى مَا دَهَاكَ، وَتَلَهُّفًا حَتَّى أَمُوتَ بِلَوْعَةِ الْمُصَابِ، وَغُصَّةِ الْإِكْتِيَابِ.

و تأسفی که بر رنج تو دارم و در سوز و گداز می مانم تا زمانی که از این  
مصیبت و غصه و اندوه بمیرم.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ  
وَالْعُدْوَانِ،

گواهی می دهم که تو نماز را برپا داشتی، و زکات را پرداختی، و به معروف و  
نیکی فرمان دادی، و از بدی ها و ستمکاری ها بازداشتی،

وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَمَا عَصَيْتَهُ، وَمَمَسَّكَتَ بِهِ وَبِحَبْلِهِ فَأَرْضَيْتَهُ وَخَشَيْتَهُ، وَرَاقَبْتَهُ وَاسْتَجَبْتَهُ،

و از خدا فرمان بردی و نافرمانی نکردی، و به خدا و ریسمان او چنگ زدی تا آن  
که او را از خود راضی و خشنود کردی در حالی که از او ترس داشتی؛ و مراقب و  
مواظب او بودی و او را پاسخ دادی،

وَسَنَنْتَ السُّنَنَ، وَأَطَفَأْتَ الْفِتْنَ، وَدَعَوْتَ إِلَى الرَّشَادِ،

و به سنت ها و مستحبات عمل کردی و فتنه ها را خاموش نمودی، و به سوی  
رشد و تکامل فرا خواندی،

وَأَوْضَحْتَ سُبُلَ السَّدَادِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ.

و راه‌های استوار را آشکار ساختی، و آن گونه که حق جهاد و تلاش بود انجام دادی.

وَكُنْتَ لِلَّهِ طَائِعًا، وَلِجَدِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَابِعًا،

و تو فرمان‌برداری نیک برای خداوند بودی، و از جدت حضرت محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - پیروی می کردی،

وَلِقَوْلِ أَبِيكَ سَامِعًا، وَ إِلَى وَصِيَّةِ أَخِيكَ مُسَارِعًا، وَلِعِمَادِ الدِّينِ رَافِعًا،

و به گفتار پدرت گوش فرا می دادی، و برای انجام وصیت برادرت شتاب می نمودی، و ستون‌های دین را بالا بردی،

وَلِلطُّغْيَانِ قَامِعًا، وَلِلطُّغَاةِ مُقَارِعًا، وَلِلْأُمَّةِ نَاصِحًا، وَفِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ سَابِحًا،

و سرکشی را در هم کوبیدی، و طغیان‌گران را نابود کردی، و برای اُمت اسلام خیرخواهی می کردی، و در گرداب مرگ شناور بودی،

وَلِلْفُسَاقِ مُكَافِحًا، وَبِحُجَجِ اللَّهِ قَائِمًا، وَلِلْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ رَاحِمًا،

و فاسقان را به مبارزه می طلبیدی، و حجّت‌های الهی را بر پا داشتی، و برای اسلام و مسلمانان مهربان و رحم کننده،

وَلِلْحَقِّ نَاصِرًا، وَعِنْدَ الْبَلَاءِ صَابِرًا، وَلِلدِّينِ كَالِئًا، وَعَنْ حَوْزَتِهِ مُرَامِيًا.

و یار حق بودی، و در بلاها و گرفتاری‌ها شکیبا، و برای دین نگهبان، و از حوزه

و حریم دینی دفاع کننده بودی.

تَحُوطُ الْهُدَى وَتَنْصُرُهُ، وَتَبْسُطُ الْعَدْلَ وَتَنْشُرُهُ، وَتَنْصُرُ الدِّينَ وَتُظْهِرُهُ،

نگبان هدایت و یاری کننده آن و گستراننده عدل و نشردهنده آن، و یاری کننده دین و آشکارکننده آن هستی،

وَتَكْفُ الْعَابِثَ وَتَزْجُرُهُ، وَتَأْخُذُ لِلدَّيْنِ مِنَ الشَّرِيفِ، وَتُسَاوِي فِي الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوِيِّ وَالضَّعِيفِ.

و بازیچه شمارنده دین را از کارش بازداشته و او را منع نمودی؛ و حق زبردستان را از ثروتمندان و اشراف می گرفتی، و بین قوی و ضعیف به مساوات حکم می کردی.

كُنْتَ رَبِيعَ الْاَيْتَامِ ، وَعِصْمَةَ الْاَنْامِ ، وَعِزَّ الْاِسْلَامِ ، وَمَعْدِنَ الْاَحْكَامِ ،

تو بهار یتیمان و پناهگاه مردم، و عزت و سربلندی اسلام و معدن احکام

وَحَلِيفَ الْاِنْعَامِ ، سَالِكاً طَرَائِقَ جَدِّكَ وَأَبِيكَ ، مُشْبِهاً فِي الْوَصِيَّةِ لِأَخِيكَ .

و هم پیمان بخشش و احسان بودی. پوینده راه جد و پدرت بودی، و همانند برادرت در وصیت پدرت بودی.

وَفِي الدَّمَمِ ، رَضِيَ الشُّيْمِ ، ظَاهِرَ الْكَرَمِ ، مُتَهَجِّداً فِي الظُّلَمِ ، قَوِيماً الطَّرَائِقِ ،

وفا کننده به عهدها و پیمان ها، دارای خصلتها و خوی های نیکو، آشکار کننده بزرگواری ها، کوشش کننده در عبادت به هنگام تاریکی (شب زنده دار)،

دارندهٔ روش‌های استوار،

كَرِيمَ الْخَلَائِقِ، عَظِيمَ السَّوَابِقِ، شَرِيفَ النَّسَبِ، مُنِيفَ الْحَسَبِ،

و اخلاق بزرگ منشی و بخشندگی، با پیشینه ای بزرگ و درخشان، نژادی شریف،  
حَسَبِي بَرْتَر،

رَفِيعَ الرَّتَبِ، كَثِيرَ الْمَنَاقِبِ، مَحْمُودَ الضَّرَائِبِ، جَزِيلَ الْمَوَاهِبِ.

درجاتی عالی و رفیع، افتخاراتی فراوان، سرشت های ستوده، موهبت ها و بخشش  
های بسیار بود.

حَلِيمٌ رَشِيدٌ مُنِيبٌ، جَوَادٌ عَلِيمٌ شَدِيدٌ، إِمَامٌ شَهِيدٌ، أَوَّاهٌ مُنِيبٌ، حَبِيبٌ مَهِيْبٌ.

بردبار، کمال یافته، انابه کننده به سوی خدا، بخشنده، دانا، قدرت مند، پیشوا،  
شهید، شیون کننده و انابه کننده، دوست دارنده، با هیبت هستی.

كُنْتَ لِلرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَلَدِهِ، وَلِلْقُرْآنِ سَنَدًا، وَلِلْأُمَّةِ عَضُدًا،

تو برای حضرت پیامبر - که درود خدا بر او و آل او باد - فرزند، و برای قرآن  
پشتیبان، و برای امت بازویی توانا و یاور بودی،

وَفِي الطَّاعَةِ مُجْتَهِدًا، حَافِظًا لِلْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ، نَاكِبًا عَنِ سُبُلِ الْفُسَاقِ،

و در فرمانبرداری از دستورات الهی کوشا، نگهبان و نگه‌دارندهٔ پیمان و تعهد عالم  
ذر، کناره گیر از راه مردمان فاسق و تبه‌کار،



[ وَ ] بَاذِلًا لِلْمَجْهُودِ، طَوِيلَ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ.

و بکار برنده تمام سعی و کوشش خود بودی. دارای رکوع و سجود طولانی بودی.

زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا زُهْدَ الرَّاحِلِ عَنْهَا، نَاطِرًا إِلَيْهَا بِعَيْنِ الْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْهَا،

و نسبت به دنیا بی اعتنا و بی رغبت بودی، همچون کسانی که می خواهد آن را رها کند و از آن کوچ کند و همواره به آن به دیده وحشت زدگان می نگریستی.

أَمَّا لِكَ عَنْهَا مَكْفُوفَةٌ، وَهَمَّتْكَ عَنْ زِينَتِهَا مَصْرُوفَةٌ،

از آرزوهای دنیویّت دل کنده، و همت تو از زینت های آن رو گردان شده،

وَالْحَاطِظُكَ عَنْ بَهْجَتِهَا مَطْرُوفَةٌ، وَرَغْبَتُكَ فِي الْآخِرَةِ مَعْرُوفَةٌ.

و نگاهت از سرور و شادمانی آن پوشیده شده، و شوق و اشتیاق تو به آخرت معروف بود.

حَتَّى إِذَا الْجَوْرُ مَدَّ بَاعَهُ، وَأَسْفَرَ الظُّلْمُ قِنَاعَهُ، وَدَعَا الغِيَّ اتِّبَاعَهُ،

تا آن که ستم، دست ستمگرش را دراز کرد و ظلم، نقاب از چهره افکند، و گمراهی پیروان خویش را فرا خواند؛

وَأَنْتَ فِي حَرَمِ جَدِّكَ قَاطِنٌ، وَلِلظَّالِمِينَ مُبَايِنٌ، جَلِيسُ الْبَيْتِ وَالْمِحْرَابِ،

و در حالی که تو در حرم جدّت ساکن و از ستمگران دوری گزیده بودی، مونس محراب و خانه گشته

مُعْتَزِلٌ عَنِ اللَّذَّاتِ وَالشَّهَوَاتِ، تُنْكِرُ الْمُنْكَرَ بِقَلْبِكَ وَلِسَانِكَ، عَلَى حَسَبِ طَاقَتِكَ  
وَإِمْكَانِكَ،

و از شهوت‌ها و لذت‌ها دوری گزیده، و در حدّ طاقت و امکان با قلب و  
زبان زشتی را زشت شمردی.

ثُمَّ اقْتَضَاكَ الْعِلْمُ لِلْإِنْكَارِ، وَلَزِمَكَ أَنْ تُجَاهِدَ الْفُجَّارَ،

سپس اقتضا کرد علم و آگاهی، تو را بر انکار؛ و بر تو لازم شد با فاجران و  
بدکاران جهاد کنی؛

فَسِرْتَ فِي أَوْلَادِكَ وَأَهْلِيكَ، وَشَيْعَتِكَ وَمَوَالِيكَ،

پس با فرزندان و خاندان و پیروان و دوستان به راه افتادی،

وَصَدَعْتَ بِالْحَقِّ وَالْبَيِّنَةِ، وَدَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ،

و حقّ و حقیقت را با برهان‌های الهی آشکار ساختی، و مردم را با حکمت و  
پند نیکو به سوی خدا فرا خواندی،

وَأَمَرْتَ بِإِقَامَةِ الْحُدُودِ، وَالطَّاعَةِ لِلْمَعْبُودِ،

و امر به برپایی حدود الهی و اطاعت پروردگار،

وَنَهَيْتَ عَنِ الْخَبَائِثِ وَالطُّغْيَانِ، وَوَجَّهُوكَ بِالظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ.

و نهی از پلیدی ها و سرکشی ها نمودی، و آنان با ستم و عدوان با تو مقابله نمودند.

فَجَاهَدْتَهُمْ بَعْدَ الْإِعَاضِ لَهُمْ، وَتَأْكِيدِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ، فَكَتَبُوا ذِمَامَكَ وَبَيَّعَتَكَ،

پس از آن که آن ها را پند داده و از کار خود بازداشتی، و اتمام حجت نمودی، با آنان جهاد کردی؛ پس آنان پیمان و بیعت تو را شکستند،

وَأَسْخَطُوا رَبَّكَ وَجَدَّكَ، وَبَدَّوْكَ بِالْحَرْبِ، فَثَبَّتَ لِلطَّعْنِ وَالضَّرْبِ،

و پروردگار تو و جدت را خشمگین کردند، و با تو شروع به جنگ نمودند؛ پس تو در برابر ضربات (شمشیرها و نیزه‌ها) استوار ماندی،

وَطَحْنَتَ جُنُودَ الْفَجَّارِ، وَاقْتَحَمْتَ قَسَطَ الْعُبَارِ، مُجَالِدًا بِذِي الْفِقَارِ، كَأَنَّكَ عَلِيٌّ الْمُخْتَارُ.

و لشکریان بدکاره را درهم کوبیدی، و در گرد و غبار برخاسته در میدان جهاد با ذوالفقار آنگونه وارد شدی که گویا تو همان علی برگزیده خدا هستی.

فَلَمَّا رَأَوْكَ ثَابِتَ الْجَاشِ، غَيْرَ خَائِفٍ وَلَا خَاشٍ، نَصَبُوا لَكَ غَوَائِلَ مَكْرِهِمْ،

پس، هنگامی که تو را ثابت قدم و دلیر دیدند، در حالی که هیچ‌گونه ترس و هراسی در تو نبود برای تو دام های مکرشان را نصب کردند،

وَقَاتَلُوكَ بِكَيْدِهِمْ وَشَرِّهِمْ، وَأَمَرَ اللَّعِينُ جُنُودَهُ، فَمَنَعُوكَ الْمَاءَ وَوَرُودَهُ،

و با مکر و شرشان به جنگ با تو پرداختند؛ و آن شخص ملعون به لشکریانش

دستور داد، پس تو را از آب و وارد شدن به آن باز داشتند،

وَنَاجِزُوكَ الْقِتَالَ، وَعَاجِلُوكَ النَّزَالَ، وَرَشَقُوكَ بِالسَّهَامِ وَالنَّبَالَ،

و به مبارزه با تو پرداخته و در این امر شتافتند، و تیرها و سنگ ها را به تو پرتاب کردند،

وَبَسَطُوا إِلَيْكَ أَكْفَ الْإِصْطِلَامِ، وَلَمْ يَرَعُوا لَكَ ذِمَامًا،

و دست های ویرانگر خود را به سوی تو گشودند، و حق تو را مراعات نکردند،

وَلَا رَاقِبُوا فِيكَ آثَامًا، فِي قَتْلِهِمْ أَوْلِيَاءَكَ، وَنَهَبِهِمْ رِحَالَكَ،

و در کشتن عزیزان تو و غارت زاد و توشه تو هیچ ترسی از جزای گناه خویش به خود راه ندادند؛

وَأَنْتَ مُقَدَّمٌ فِي الْهَبَوَاتِ، وَمُحْتَمِلٌ لِلْأَذِيَّاتِ، قَدْ عَجِبْتُ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ.

و تو در میان گرد و غبار میدان به پیش می تاختی، و آزار و اذیت ها را تحمل می کردی، که به راستی فرشتگان آسمان از صبر تو درشگفت آمدند .

فَأَحْدَقُوا بِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ، وَأَثَخْنُوكَ بِالْجِرَاحِ، وَحَالُوا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الرَّوَّاحِ،

پس آنان (دشمنان) از هر سو، اطراف تو را گرفتند؛ و زخم های عمیقی بر تو وارد کردند و میان تو و بین راحتی و نجات فاصله انداختند (یعنی نگذاشتند کار به شبانگاه برسد)،

وَلَمْ يَبْقَ لَكَ نَصِيرٌ، وَأَنْتَ مُحْتَسِبٌ صَابِرٌ، تَذُبُّ عَنْ نِسْوَتِكَ وَأَوْلَادِكَ،

و تو را هیچ یآوری باقی نمانده بود، و تو کار را به حساب خدا واگذار کرده و صبر نمودی، و از زنان و اولادت دفاع می کردی.

حَتَّى نَكْسُوكَ عَنْ جَوَادِكَ، فَهَوَيْتَ إِلَى الْأَرْضِ جَرِيحاً،

تا آن که تو را از اسب سرنگون ساختند، و با بدنی مجروح بر زمین افتادی؛

تَطَوُّكَ الْخَيُْولُ بِحَوَافِرِهَا، وَتَعْلُوكَ الطُّغَاهُ بِبَوَاتِرِهَا.

اسب ها با سم هایشان تو را لگدکوب کردند و طغیان گران تو را با شمشیرهایشان ضربه می زدند.

قَدْ رَشَحَ لِلْمَوْتِ جَبِينُكَ، وَاخْتَلَفَتْ بِالْإِنْقِبَاضِ وَالْإِنْبِطَاطِ شِمَالُكَ وَيَمِينُكَ،

عرق مرگ بر پیشانیت نشست. و راست و چپ بدن مبارکت را با جمع کردن و گشودن جابجا می کردی.

تُدِيرُ طَرْفًا خَفِيًّا إِلَى رَحْلِكَ وَبَيْتِكَ، وَقَدْ شَغَلَتْ بِنَفْسِكَ عَنْ وُلْدِكَ وَأَهَالِيكَ،

و با گوشه چشم به خیام و حرمت نگاه می کردی، و مصیبتی که بر تو وارد می شد تو را از فرزندان و اهل بیتت به خود مشغول ساخته بود،

وَأَسْرَعَ فَرَسُكَ شَارِدًا، إِلَى خِيَامِكَ قَاصِدًا، مُحَمِّمًا بَاكِيًا،

و اسب تو شیون گنان و گریه کنان با سرعت به سوی حرمت آمد،

فَلَمَّا رَأَيْنَ النِّسَاءَ جَوَادِكَ مَخْزِيًّا، وَنَظَرْنَ سَرْجَكَ عَلَيْهِ مَلُويًّا،

هنگامی که زنان اسبت را شرمسار دیدند و به زین واژگونش نظر افکندند،

بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ، نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ، لِاطِمَاتِ الْوُجُوهِ سَافِرَاتِ،

از خیمه ها بیرون آمدند، موهای شان را بر چهره های شان پریشان کرده، بر  
چهره های بدون نقاب شان سیلی می زدند، و با صدای بلند ناله می زدند

وَبِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتِ، وَبَعْدَ الْعِزِّ مُذَلَّلَاتِ، وَ إِلَى مَصْرَعِكَ مُبَادِرَاتِ.

و تو را می خواندند، و آنان بعد از عزت ذلیل شده بودند، و به سوی قتلگاه  
تو شتافتند.

وَالشَّمْرُ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ، وَمَوْلِغٌ سَيْفُهُ عَلَى نَحْرِكَ،

در حالی که شمر (لعنة الله عليه) بر روی سینه ات نشسته بود و شمشیرش را  
بر گودی زیر گلوی تو فرو برده

قَابِضٌ عَلَى شَيْبَتِكَ بِيَدِهِ، ذَابِحٌ لَكَ مُهَيَّئِدِهِ، قَدْ سَكَنْتَ حَوَاسُكَ،

و محاسنت را به دست گرفته بود، سرت را با شمشیر تیز خود می برید؛ در آن  
حالت حواسست از حرکت ایستاد،

وَحَفِيَّتْ أَنْفَاسُكَ، وَرَفَعَ عَلَى الْقَنَاةِ رَأْسُكَ، وَسُبِيَ أَهْلُكَ كَالْعَبِيدِ،

و نفس هایت پنهان شد، و سرت بر بالای نیزه بلند شد، و اهل بیت تو مانند  
بندگان و بردگان اسیر شدند،

وَصُفِّدُوا فِي الْحَدِيدِ، فَوْقَ أَقْتَابِ الْمَطِيطَاتِ، تَلْفَحُ وَجُوهَهُمْ حَرُّ الْهَاجِرَاتِ،

و در غل و زنجیر به بند کشیده شدند. در فراز جهاز شتران، چهره های شان را  
گرمای شدید می سوزاند،

يُسَاقُونَ فِي الْبَرَارِي وَالْفَلَوَاتِ، أَيْدِيهِمْ مَغْلُولَةٌ إِلَى الْأَعْنَاقِ، يُطَافُ بِهِمْ فِي الْأَسْوَاقِ.

و در بیابان ها و دشت ها پیش برده می شدند؛ دست های شان به گردن های  
شان آویخته و بسته بود، و آن ها را دور بازارها می چرخاندند .

فَالْوَيْلُ لِلْعَصَاةِ الْفُسَّاقِ، لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ الْإِسْلَامَ، وَعَطَّلُوا الصَّلَاةَ وَالصِّيَامَ،

پس، وای بر آن گناه کاران فاسق که به راستی با کشتن تو اسلام را کشتند، و  
نماز و روزه را رها کردند،

وَنَقَضُوا السُّنَنَ وَالْأَحْكَامَ، وَهَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ،

و سنت ها و احکام را شکستند، و ستون های دین و ایمان را منهدم کردند،

وَحَرَّفُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ، وَهَمَلَجُوا فِي الْبَغْيِ وَالْعُدْوَانِ.

و آیات الهی قرآن را تحریف نمودند، و در دشمنی و ظلم و ستم پیش تاختند .

لَقَدْ أَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوْتُورًا،

آن گاه که تو را شهید کردند به راستی رسول خدا - که درود خدا بر او و آل او  
باد - خون خواه تو شد،

وَعَادَ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَهْجُورًا، وَغُودِرَ الْحَقُّ إِذْ قُهِرَتْ مَقْهُورًا،

و بار دیگر کتاب خدا متروک و دور افتاده شد؛ و حق، مورد خیانت قرار گرفت.  
چون تو شکست خوردی؛

وَفُقِدَ بِفَقْدِكَ التَّكْبِيرُ وَالتَّهْلِيلُ، وَالتَّحْرِيمُ وَالتَّحْلِيلُ، وَالتَّنْزِيلُ وَالتَّأْوِيلُ،

و با نبود تو، بانک «الله اکبر» و «لا إله إلا الله» و حرام و حلال خدا و تنزیل و  
تأویل قرآن، ناپدید شد؛

وظَهَرَ بَعْدَكَ التَّغْيِيرُ وَالتَّبْدِيلُ، وَالأَلْحَادُ وَالتَّعْطِيلُ، وَالأَهْوَاءُ وَالأَضَالِيلُ، وَالأَفْتِنُ  
وَالأَبَاطِيلُ.

و بعد از تو، تغییر و دگرگونی (در احکام الهی) و کفر و بی دینی، و کنار گذاشتن  
سنت ها و هواهای نفسانی، و گمراهی ها و فتنه ها و باطل ها پدیدار گشت.

فَقَامَ نَاعِيكَ عِنْدَ قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَنَعَاكَ إِلَيْهِ بِالدَّمْعِ  
الْهَطُولِ،

پس، خبردهنده شهادت تو نزد قبر جد تو رسول خدا - درود خدا بر او و آل او  
باد - ایستاد، و با اشک ریزان خبر شهادت تو را به پیامبر داد؛

قَائِلًا يَا رَسُولَ اللَّهِ قُتِلَ سِبْطُكَ وَفَتَاكَ، وَاسْتَبِيحَ أَهْلُكَ وَحِمَاكَ،



در حالی که می گفت: ای رسول خدا؛ نوه و جوان تو کشته شد، و حرمت اهل بیت تو شکسته و مباح شمرده شد؛

وَسُبِّتَ بَعْدَكَ ذَرَارِيكَ، وَوَقَعَ الْمَحْذُورُ بِعِثْرَتِكَ وَذَوِيكَ.

و فرزندان و ذریه تو را بعد تو اسیر کردند، و خانواده و اطرافیانت در گرفتاری افتادند.

فَانزَعَجَ الرَّسُولُ، وَبَكَى قَلْبُهُ الْمَهُولُ، وَعَزَّاهُ بِكَ الْمَلَائِكَةُ وَالْأَنْبِيَاءُ،

پس، پیامبر آشفته گردید، و قلب وحشت زده اش گریست؛ و به خاطر تو فرشتگان و پیامبران بر او تسلیت گفتند؛

وَفُجِعَتْ بِكَ أُمَّكَ الزَّهْرَاءُ، وَاخْتَلَفَتْ جُنُودُ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، تُعْزِي أَبَاكَ  
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،

و به خاطر تو مادرت زهرا سوگوار و مصیبت زده شد؛ و لشکریان فرشتگان مقرب الهی برای تسلیت گفتن به پدرت امیر مؤمنان آمد و شد کردند،

وَأُقِيمَتْ لَكَ الْمَاتِمُ فِي أَعْلَى عَلِّيْنَ، وَلَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعَيْنُ،

و در اعلی علیین برای تو ماتم برپا شد، و به خاطر تو حور العین سیلی بر صورت خود زدند،

وَبَكَتِ السَّمَاءُ وَسُكَّانُهَا، وَالْجِنَانُ وَخَزَائِنُهَا، وَالْهَضَابُ وَأَقْطَارُهَا، وَالْبِحَارُ وَحَيْثَانُهَا،

و آسمان و ساکنان آن، و بهشت و خزانه داران آن، و کوه ها و دامنه هایشان، و دریا و ماهیانش،

وَالْجَنَانُ وَوِلْدَانُهَا، وَالْبَيْتُ وَالْمَقَامُ، وَالْمَشْعَرُ الْحَرَامُ، وَالْحِلُّ وَالْأَحْرَامُ.

و بهشت و پسران آن، و خانه خدا، و مقام، و مشعرالحرام و خارج خانه خدا و اطراف آن، همه گریه کردند.

اللَّهُمَّ فَبِحُرْمَةِ هَذَا الْمَكَانِ الْمُنِيفِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

خدایا! پس، به خاطر حرمت و احترام این مکان شریف، بر محمد و آل محمد درود فرست؛

وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ.

و مرا در زمره آنان محشور فرما، و مرا به شفاعت آنان داخل بهشت نما.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ،

خدایا! به تو توسل پیدا می کنم؛ ای سریعترین حسابگران؛ و ای کریمترین کریمان؛

وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ، مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، رَسُولِكَ إِلَى الْعَالَمِينَ أَجْمَعِينَ،

و ای با اقتدارترین حاکمان؛ و به محمد خاتم پیامبران، فرستاده تو بر همه جهانیان؛

وَبِأَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ الْأَنْزَعِ الْبَطِينِ، الْعَالِمِ الْمَكِينِ، عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

و به برادر و پسرعمویش که از شرك و بت پرستی جدا شده و درونش انباشته از دانش بود، آن عالم و دانشمند والامقام یعنی حضرت علی امیر مؤمنان؛

وَبِفَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَبِالْحَسَنِ الزَّكِيِّ عِصْمَةِ الْمُتَّقِينَ،

و به فاطمه سرور زنان جهانیان، و به حسن، که پاکیزه و پناه پرهیزکاران است،

وَبِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ أَكْرَمِ الْمُسْتَشْهِدِينَ، وَبِأَوْلَادِهِ الْمَقْتُولِينَ،

و به ابی عبدالله الحسین، گرامی ترین شهادت جویان و به فرزندان شهیدش

وَبِعِزَّتِهِ الْمَظْلُومِينَ، وَبِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ.

و به خاندان مظلومش؛ و به علی بن الحسین زینت عبادت کنندگان.

وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قِبْلَةَ الْأَوَابِينَ، وَجَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ أَصْدَقِ الصَّادِقِينَ،

و به محمد بن علی، قبله گاه توبه کنندگان؛ و به جعفر بن محمد، راست گوترین راستگویان؛

وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرَ مُظْهِرِ الْبَرَاهِينِ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى نَاصِرِ الدِّينِ،

و به موسی بن جعفر، آشکار کننده حجت ها؛ و به علی بن موسی یاری کننده دین؛

وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قُدْوَةَ الْمُهْتَدِينَ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ أَزْهَدَ الزَّاهِدِينَ،

و به محمد بن علی، اُسوه هدایت کنندگان؛ و به علی بن محمد، زاهدترین زاهدان؛

وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَارِثِ الْمُسْتَخْلَفِينَ، وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ،

و به حسن بن علی وارث جانشیان، و حجت بر همه خلق خدا؛

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الصَّادِقِينَ الْأَبْرَرِينَ، آلِ طه و يس،

اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد آن راستگویان نیکوکاران، آل طه و یس؛

وَأَنْ تَجْعَلَنِي فِي الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَمِينِ الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ.

و این که مرا در قیامت از جمله امان یافتگان و آسودگان و رستگاران و شادمانان و بشارت یافتگان قرار دهی.

اللَّهُمَّ اكْتُبْنِي فِي الْمُسْلِمِينَ، وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ، وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ،

خدایا؛ مرا از جمله مسلمانان قرار ده، و مرا به صالحان پیوند، و برای من در میان آیندگان سخن راست قرار ده.

وَأَنْصُرْنِي عَلَى الْبَاغِينَ، وَاكْفِنِي كَيْدَ الْحَاسِدِينَ، وَأَصْرِفْ عَنِّي مَكْرَ الْمَاكِرِينَ،

و مرا بر ستمگران پیروز فرما، و مرا از مکر حسودها کفایت کن، و از من حيله مکاران را باز گردان،

وَاقْبِضْ عَنِّي أَيْدِي الظَّالِمِينَ، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ، فِي أَعْلَا عَلِيِّينَ،

و دست ستمکاران را از من کوتاه کن، و مرا با سروران فرخنده در اعلا علیین؛

مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ، مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ، وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، بِرَحْمَتِكَ  
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

با آنان که بر آنها نعمت ارزانی داشتی- از پیامبران و راستگویان و شهدا و  
صالحان - جمع نما؛ به رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْسِمُ عَلَيْكَ بِنَبِيِّكَ الْمَعْصُومِ، وَبِحُكْمِكَ الْمَحْتُومِ، وَنَهْيِكَ الْمَكْتُومِ،

خدایا؛ تو را سوگند می‌دهم به حق پیامبرت که معصوم از گناه است و به آن  
حکم حتمیت، و نهی پوشیده ات؛

وَبِهَذَا الْقَبْرِ الْمَلْمُومِ، الْمَوْسَدِ فِي كَنَفِهِ، الْإِمَامِ الْمَعْصُومِ الْمَقْتُولِ الْمَظْلُومِ،

و به این قبر شریف که به زیارت آن آمد و شد می‌شد، و امام معصومی که  
در سایه آن آرمیده است، که مظلومانه کشته شده؛

أَنْ تَكْشِفَ مَا بِي مِنَ الْغُموِمِ، وَتَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ الْقَدَرِ الْمَحْتُومِ، وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ  
ذَاتِ السَّمُومِ.

این که آنچه از غم دارم برطرف سازی، و از من شرّ قضا و قدر حتمی را باز  
گردانی، و از آتش گرم و سوزان جهنّم مرا پناه دهی.

اَللّٰهُمَّ جَلِّلِنِيْ بِنِعْمَتِكَ، وَرَضِّنِيْ بِقِسْمِكَ، وَتَعَمَّدْنِيْ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، وَبَاعِدْنِيْ مِنْ  
مَكْرِكَ وَنِقْمَتِكَ.

خدایا؛ مرا به نعمت خودت بزرگی بخش، و مرا به قسمتت راضی نما، و مرا  
غرق جود و کرم خود فرما، و مرا از مکر و مجازات خود دور نما.

اَللّٰهُمَّ اعْصِمْنِيْ مِنَ الزَّلَلِ، وَسَدِّدْنِيْ فِي الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ، وَاْفْسَحْ لِيْ فِي مُدَّةِ الْاَجَلِ،

خدایا؛ مرا از لغزشها محفوظ بدار، و مرا در قول و عمل استوار گردان، و  
وسعت و فراخی در دوران عمرم برایم قرار بده،

وَأَعْفِنِيْ مِنَ الْاَوْجَاعِ وَالْعِلَلِ، وَبَلِّغْنِيْ مَوَالِيَّ وَبِفَضْلِكَ اَفْضَلَ الْاَمَلِ.

و مرا از دردها و مریضیها عافیت بخش، و به حق اولیایم، و به بخشش و  
کرمت، مرا به بهترین آرزوهایم برسان.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَقْبَلْ تَوْبَتِيْ، وَاَرْحَمْ عِبْرَتِيْ،

خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست، و توبه مرا قبول فرما؛ و بر گریه ام  
رحم نما،

وَأَقْلِنِيْ عَثْرَتِيْ، وَنَفْسِ كُرْبَتِيْ، وَاعْفِرْ لِيْ خَطِيئَتِيْ، وَأَصْلِحْ لِيْ فِي ذُرِّيَّتِيْ.

و از لغزشم درگذر، و اندوهم را برطرف کن، و گناهان مرا ببخش، و نسل مرا از  
صالحان قرار ده.

اَللّٰهُمَّ لَا تَدْعُ لِيْ فِيْ هَذَا الْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ، وَالْمَحَلِّ الْمُكْرَمِ ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ،

خدایا؛ برای من وامگذار در این حرم شریف و بارگاه باکرامت هیچ گناهی را  
مگر آن که آن را ببخشی

وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ، وَلَا غَمًّا إِلَّا كَشَفْتَهُ، وَلَا رِزْقًا إِلَّا بَسَطْتَهُ،

و هیچ عیبی را مگر آن که بپوشانی، و هیچ غمی را مگر آن که برطرف کنی؛ و  
هیچ رزق و روزی را مگر آن که گسترده گردانی،

وَلَا جَاهًا إِلَّا عَمَّرْتَهُ، وَلَا فَسَادًا إِلَّا أَصْلَحْتَهُ، وَلَا أَمَلًا إِلَّا بَلَّغْتَهُ،

و هیچ منزلت و مقامی را مگر آن که آن را آباد کنی، و هیچ فسادی را مگر آن  
که آن را اصلاح فرمایی؛ و هیچ آرزویی را مگر آن که مرا به آن برسانی،

وَلَا دُعَاءَ إِلَّا أَجَبْتَهُ، وَلَا مَضِيقًا إِلَّا فَرَّجْتَهُ، وَلَا شَمْلًا إِلَّا جَمَعْتَهُ،

و هیچ دعایی را مگر آن که آن را اجابت فرمایی، و هیچ تنگی و فشاری را مگر  
آن را گشایش دهی، و هیچ تفرق و پراکندگی را مگر آن که آن را به اجتماع مبدل  
گردانی،

وَلَا أَمْرًا إِلَّا أَمَمْتَهُ، وَلَا مَالًا إِلَّا كَثَّرْتَهُ، وَلَا خُلُقًا إِلَّا حَسَّنْتَهُ،

و هیچ کاری را مگر آن که آن را تمام کنی، و به پایان رسانی؛ و هیچ مالی را مگر  
آن که آن را زیادش کنی، و هیچ اخلاقی را مگر آن که آن را نیکو فرمایی،

وَلَا إِتْفَاقًا إِلَّا أَخْلَفْتَهُ، وَلَا حَالًا إِلَّا عَمَّرْتَهُ، وَلَا حَسُودًا إِلَّا قَمَعْتَهُ،

و هیچ انفاقی را مگر آن که جایگزین برایش قرار دهی، و هیچ دگرگونی حالی را مگر آن که آن را خوب و آباد نمایی؛ و هیچ حسودی را مگر آن که آن را ریشه کن نمایی،

وَلَا عَدُوًّا إِلَّا أَرَدَيْتَهُ، وَلَا شَرًّا إِلَّا كَفَيْتَهُ، وَلَا مَرَضًا إِلَّا شَفَيْتَهُ،

و هیچ دشمنی را مگر آن که آن را از میان ببری، و هیچ شرّ و بدی را مگر آن که کفایت کنی، و هیچ مرضی را مگر آن که آن را شفا دهی،

وَلَا بَعِيدًا إِلَّا أَدْنَيْتَهُ، وَلَا شَعْنًا إِلَّا لَمَمْتَهُ، وَلَا سُؤَالَ إِلَّا أَعْطَيْتَهُ.

و هیچ دوری را مگر آن که آن را نزدیک فرمایی، و هیچ پراکندگی را مگر آن که آن را سامان دهی، و هیچ درخواستی را مگر آن که آن را عطا نمایی.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْعَاجِلَةِ، وَثَوَابَ الْأَجَلَةِ.

خدایا؛ از تو می خواهم خیر و خوبی حاضر و ثواب و پاداش آینده را.

اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنِ الْحَرَامِ، وَبِفَضْلِكَ عَنِ جَمِيعِ الْأَنَامِ.

خدایا؛ مرا به واسطه حلالیت از حرام غنی فرما، و با فضل و کرمیت از تمام مردم بی نیاز ساز.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا، وَقَلْبًا خَاشِعًا وَيَقِينًا شَافِيًا،

خدایا؛ از تو می خواهم علمی که سودمند باشد، و قلبی که خاشع باشد، و یقینی را که قاطع باشد،



وَعَمَلًا زَاكِيًا، وَصَبْرًا جَمِيلًا، وَأَجْرًا جَزِيلًا.

و عملی که پاک باشد، و صبری را که زیبا باشد، و اجری را که زیاد باشد.

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَزِدْ فِي إِحْسَانِكَ وَكَرَمِكَ إِلَيَّ،

خدایا! شکر و سپاس نعمتت را که بر گردن من است روزیم فرما، و احسان و کرمت را بر من زیاد نما،

وَاجْعَلْ قَوْلِي فِي النَّاسِ مَسْمُوعًا، وَعَمَلِي عِنْدَكَ مَرْفُوعًا،

و سخنم را در میان مردم پذیرفته شده قرار ده، و عملم را در نزد خودت بالا ببر و بپذیر،

وَأَثْرِي فِي الْخَيْرَاتِ مَتْبُوعًا، وَعَدُوِّي مَقْمُوعًا.

و اثر مرا در خیرات مورد پیروی دیگران قرار بده، و دشمنم را ریشه کن نما.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَخْيَارِ، فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ،

خدایا! دورد فرست بر محمد و آل محمد، که نیکوکاران (در میان بندگان) هستند، در تمامی لحظات شب و روز؛

وَكَفِّنِي شَرَّ الْأَشْرَارِ، وَطَهِّرْنِي مِنَ الدُّنُوبِ وَالْأَوْزَارِ، وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ،

و از من دور نما شرّ اشخاص شرور و بدکاران را، و مرا از گناهان و بار گران آن پاک

فرما، و از آتش جهنم پناهم ده.

وَأَحِلِّي دَارَ الْقَرَارِ، وَاغْفِرْ لِي وَلِجَمِيعِ إِخْوَانِي فِيكَ وَأَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ،  
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و در خانه بهشت وارد کن، و مرا و تمامی برادران و خواهران مؤمنی که در راه تو آن‌ها را یافته ام به رحمت بیامرز، ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس رو به قبله کن و دو رکعت نماز به جای آور؛ در رکعت اول بعد از حمد، سوره «انبیاء»، و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره «حشر» را بخوان، و در قنوت بگو:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ،

هیچ معبودی جز خدای بردبار و کریم نیست؛ هیچ معبودی جز خدای بلندمرتبه و بزرگ نیست،

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ، وَالْأَرْضِينَ السَّبْعِ،

هیچ معبودی نیست جز خدایی که پروردگار آسمان‌های هفت‌گانه و زمین‌های هفت‌گانه

وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، خِلَافاً لِأَعْدَائِهِ، وَتَكْذِيباً لِمَنْ عَدَلَ بِهِ، وَ إِقْرَاراً لِرُبُوبِيَّتِهِ،  
وَخُضُوعاً لِعِزَّتِهِ.

و آنچه در آن‌ها و میان آن‌هاست؛ برخلاف دشمنانش، و تکذیب کسانی که از او روی برتافته اند، و اقرار به ربوبیت او، و خضوع در برابر عزت او.

الْأَوَّلُ بِغَيْرِ أَوَّلٍ، وَالْآخِرُ إِلَى غَيْرِ آخِرٍ،

او اول و ابتدایی است که آغاز ندارد، و آخری است که هیچ انتهایی ندارد

الظَّاهِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِهِ، الْبَاطِنُ دُونَ كُلِّ شَيْءٍ بِعِلْمِهِ وَلُطْفِهِ،

و او،

غلبه دارد بر هر چیز به سبب قدرتش، و با دانش و دقتش از درون هر چیز آگاه است.

لَاتَقِفُ الْعُقُولُ عَلَى كُنْهِ عَظَمَتِهِ، وَلَا تُدْرِكُ الْأَوْهَامُ حَقِيقَةَ مَا هِيَ،

عقل ها بر گنه بزرگی و عظمت او راه ندارند. و اوهام حقیقت ذات او را درک نمی کنند،

وَلَا تَتَصَوَّرُ الْأَنْفُسُ مَعَانِيَ كَيْفِيَّتِهِ،

و جان ها کیفیت و چگونگی او را نمی توانند درک کنند،

مُطْلِعًا عَلَى الضَّمَائِرِ، عَارِفًا بِالسَّرَائِرِ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ.

بر امور نهانی آگاه و بر پنهانی ها آشنا است؛ خیانت چشم ها و آن چه در سینه ها پنهان است را می داند.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ عَلَى تَصَدِيقِي رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَإِيمَانِي بِهِ، وَعِلْمِي بِمَنْزِلَتِهِ،

خدایا؛ تو را گواه می گیرم بر تصدیق نسبت به پیامبرت - که درود خدا بر او و آل او باد - و ایمانم به او؛ و آگاهیم نسبت به مقام و منزلتش؛

وَإِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ النَّبِيُّ الَّذِي نَطَقَتِ الْحِكْمَةُ بِفَضْلِهِ، وَبَشَّرَتِ الْأَنْبِيَاءُ بِهِ،

و شهادت می دهم که همانا او پیامبری است که حکمت به فضل و دانش او گویا گشت، و پیامبران به آمدن او بشارت دادند.

وَدَعَتْ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمَا جَاءَ بِهِ، وَحَثَّتْ عَلَى تَصَدِيقِهِ بِقَوْلِهِ تَعَالَى

و دعوت به اقرار به آن چه آورده است، کردند و تشویق به تصدیقش نمودند؛ همان گونه که خداوند فرمود :

(الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ

«کسی است که نامش را در تورات و انجیل نوشته شده می یابند، او آنها را به کارهای نیکو امر می کند و از کارهای زشت باز می دارد

وَيَحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» [۱].

و پاکها را برای آنها حلال می کند، و آلودگی ها و پلیدی ها را برای آنها حرام می نماید؛ و برمی دارد از دوش ایشان سنگینی و بار گران و غل و زنجیری را که بر گردن دارند».

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ إِلَى الثَّقَلَيْنِ، وَسَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ الْمُصْطَفَيْنِ،

پس، درود فرست بر محمد رسول و فرستاده ات به سوی جن و انس و سید و سرور انبیای برگزیده ات؛

وَعَلَى أَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ اللَّذِينَ لَمْ يُشْرِكَا بِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا،

و درود فرست بر برادرش و پسرعمویش، آن دو که حتی برای یک لحظه و یک چشم به هم زدن برای تو شرک نوزیدند؛

وَعَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.

و بر فاطمه زهرا، سیده و سرور زنهای جهانیان.

وَعَلَى سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، صَلَاةً خَالِدَةً الدَّوَامِ، عَدَدَ قَطْرِ الرَّهَامِ،

و بر دو سرور جوانان اهل بهشت، حسن و حسین، درودی که جاودانی و دایمی باشد؛ به تعداد قطره های باران،

وَزِنَةَ الْجِبَالِ وَالْأَكَامِ مَا أَوْرَقَ السَّلَامُ، وَاخْتَلَفَ الضِّيَاءُ وَالظَّلَامُ،

و به سنگینی کوه ها و تپه ها تا وقتی که سلام برگ (و نتیجه) می دهد؛ و تا وقتی که نور و ظلمت (شب و روز) در رفت و آمدند؛

وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ، الْأُمَّةِ الْمُهْتَدِينَ، الذَّاكِرِينَ عَنِ الدِّينِ،

و سلام بر آل پاك او، امامان هدايت شده - آن مدافعان دين -

عَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّةِ الْقَوَّامِ بِالْقِسْطِ  
وَسُلَالَةِ السُّبُطِ.

يعنى على و محمد و جعفر و موسى و على و محمد و على و حسن و حجت ؛  
که بپادارندگان عدالت و قسط اند، و از نسل سبط پیامبرند.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْإِمَامِ، فَرَجًا قَرِيبًا، وَصَبْرًا جَمِيلًا، وَنَصْرًا عَزِيزًا،

خدایا؛ از تو می خواهم به حق این امام گشایش نزدیک، و صبر جمیل، و یاری  
باعزت،

وَعِنِّي عَنِ الْخَلْقِ، وَثَبَاتًا فِي الْهُدَى، وَالتَّوْفِيقَ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، وَرِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا،

و بی نیازی از خلق، و پایداری در هدایت، و توفیق بر آنچه آن را دوست داری و  
می پسندی؛ و رزق و روزی گسترده، حلال،

طَيِّبًا مَرِيئًا، دَارًا سَائِغًا، فَاضِلًا مُفْضَلًا، صَبًّا صَبًّا، مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلَا نَكْدٍ وَلَا مِنَّةٍ مِنْ  
أَحَدٍ،

پاك، و گوارا، قطع نشدنی، خوش گوار، فراوان، زیاد شده و پیوسته ریزان بدون  
زحمت و سختی، و بی هیچ منتی از کسی،

وَعَافِيَةً مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَسُقْمٍ وَمَرَضٍ، وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَالنَّعْمَاءِ،

و مصون از هر بلا و بیماری و مریضی، و شکرگزاری بر سلامت و عافیت و نعمت

را به من عنایت کنی.

وَإِذَا جَاءَ الْمَوْتُ فَاقْبِضْنَا عَلَىٰ أَحْسَنِ مَا يَكُونُ لَكَ طَاعَةً، عَلَىٰ مَا أَمَرْتَنَا مُحَافِظِينَ،

و هنگامی که مرگ فرا رسید جان ما را در بهترین حال، از نظر اطاعت و فرمانبرداری بگیر؛ در حالتی که رعایت کننده و اجرا کننده فرامین تو باشیم؛

حَتَّىٰ تُؤَدِّيَنَا إِلَىٰ جَنَّاتِ النَّعِيمِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

تا این که ما را به بهشت پر نعمت برسانی؛ به رحمت، ای مهربان‌ترین مهربانان؛

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَوْحِشْنِي مِنَ الدُّنْيَا، وَأَنْسِنِي بِالْآخِرَةِ،

خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا از دنیا وحشت زده و با آخرت مانوس گردان؛

فَإِنَّهُ لَا يُؤْحِشُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا خَوْفُكَ ، وَلَا يُؤْنِسُ بِالْآخِرَةِ إِلَّا رَجَاؤُكَ .

چرا که به هراس از دنیا نمی اندازد مگر هراس از تو؛ و با آخرت مانوس نمی سازد مگر امید به تو .

اللَّهُمَّ لَكَ الْحُجَّةُ لَا عَلَيْكَ، وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكَى لَا مِنْكَ، فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

خدایا؛ حجت و برهان به نفع توست، نه بر ضرر تو؛ و شکوه ها به سوی توست، نه شکوه از تو باشد؛ پس، درود فرست بر محمد و آل او؛

وَأَعِنِّي عَلَىٰ نَفْسِي الظَّالِمَةِ العَاصِيَةِ، وَشَهْوَتِي الغَالِبَةِ ، وَاخْتِمْ لِي بِالْعَافِيَةِ.

و مرا بر نفس ستمگر و سرکشم، و بر شهوت چیره شونده ام یاری نما؛ و با عافیت کارم را به پایان برسان.

اَللّٰهُمَّ اِنَّ اسْتَغْفَارِيْ اِيَّاكَ وَاَنَا مُصِرٌّ عَلٰى مَا نَهَيْتَ قَلْبُهٗ حَيًّا،

خدایا؛ همانا طلب آمرزشم از تو، در حالی که بر آن چه از من نهی فرمودی پافشاری می کنم، از کمی حیا و شرم من است،

وَتَرْكِي الْاِسْتِغْفَارَ مَعَ عِلْمِي بِسَعَةِ حِلْمِكَ تَضِيْعٌ لِحَقِّ الرَّجَاءِ.

و ترك کردن من استغفار را، با علم من به گسترش بردباری تو، از بین برنده حق امیدواری است .

اَللّٰهُمَّ اِنَّ ذُنُوْبِيْ تُؤَيِّسُنِيْ اَنْ اَرْجُوْكَ، وَاِنَّ عِلْمِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ يَمْنَعُنِيْ اَنْ اَخْشَاكَ،

بارالها؛ همانا گناهانم مرا از امیدوار بودن به تو ناامید ساخته، و علم من بر زیادی رحمتت مرا از هراس از تو باز می دارد؛

فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَصَدِّقْ رَجَائِيْ لَكَ،

پس درود فرست بر محمد و آل محمد، و امید مرا بر خودت صادق و به جا و به مورد قرار بده،

وَكَذَّبْ خَوْفِيْ مِنْكَ، وَكُنْ لِيْ عِنْدَ اَحْسَنِ ظَنِّيْ بِكَ، يَا اَكْرَمَ الْاَكْرَمِيْنَ.

و ترسم را از تو بی مورد و بی جا فرما، و برای من آن گونه که به تو خوش گمان



هستم باش؛ ای کریم‌ترین کریم‌ها.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَيِّدْنِي بِالْعِصْمَةِ، وَأَنْطِقْ لِسَانِي بِالْحِكْمَةِ،

خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا با بازداشتن از گناه تأیید کن، و  
زبانم را به حکمت گویا نما،

وَأَجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْدُمُ عَلَى مَا ضَيَّعَهُ فِي أَمْسِهِ، وَلَا يَغْبِنُ حَظَّهُ فِي يَوْمِهِ، وَلَا يَهْمُ لِرِزْقِ  
غَدِهِ.

و مرا از کسانی قرار ده که بر گذشته ضایع شده خود پشیمان‌اند؛ و نسبت به  
بهره امروزشان مغبون نگشته‌اند؛ و اهمّامی به روزی فردا ندارند.

اللَّهُمَّ إِنَّ الْغِنَى مَنِ اسْتَعْنَى بِكَ، وَافْتَقَرَ إِلَيْكَ، وَالْفَقِيرَ مَنِ اسْتَعْنَى بِخَلْقِكَ عَنكَ،

بار الها؛ دارا کسی است که به واسطه تو بی نیازی بجوید و خود را نیازمند  
تو بداند؛ و نیازمند و فقیر، کسی است که به جای تو از خلق و آفریدگانت بی  
نیازی بجوید؛

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَغْنِنِي عَنِ خَلْقِكَ بِكَ، وَأَجْعَلْنِي مِمَّنْ لَا يَبْسُطُ كَفًّا  
إِلَّا إِلَيْكَ.

پس، بر محمد و آل محمد درود بفرست، و مرا به وسیله خودت از آفریدگانت  
بی نیاز گردان، و مرا از کسانی قرار ده که دستش را جز به سوی تو دراز نکند.

اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ قَنَطَ وَأَمَامَهُ التَّوْبَةُ، وَوَرَاءَهُ الرَّحْمَةُ،

بار خدایا؛ به راستی، بدبخت و بد عاقبت کسی است که نا امید باشد از درگاه تو در حالی که پیش رویش توبه و پشت سرش رحمت باشد،

وَإِنْ كُنْتُ ضَعِيفَ الْعَمَلِ فَإِنِّي فِي رَحْمَتِكَ قَوِيٌّ الْأَمَلِ، فَهَبْ لِي ضَعْفَ عَمَلِي لِقُوَّةِ أَمَلِي.

و گر چه من دارای ضعف و سستی در عمل به دستورات هستم، لیکن نسبت به رحمت تو آرزو و امیدم قوی است؛ پس ضعف رفتارم را به خاطر قوت آرزو و امیدم بر من ببخشای.

اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ مَا فِي عِبَادِكَ مَنْ هُوَ أَقْسَى قَلْبًا مِنِّي، وَأَعْظَمُ مِنِّي ذَنْبًا،

خدایا؛ اگر در بین بندگانت سنگدل تر از من و گناهکارتر از من سراغ نداشته باشی؛

فَإِنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا مَوْلَى أَعْظَمُ مِنْكَ طَوْلًا، وَأَوْسَعُ رَحْمَةً وَعَفْوًا،

من هم به خوبی می دانم که مولا و سروری بخشنده تر، و دارای رحمت و عفو و بخشش فراگیرتر از تو وجود ندارد؛

فَيَا مَنْ هُوَ أَوْحَدٌ فِي رَحْمَتِهِ، إِغْفِرْ لِمَنْ لَيْسَ بِأَوْحَدٍ فِي خَطِيئَتِهِ.

پس، ای کسی که در رحمتش بی نظیر است، بیامرزش؛ کسی را که در گناهش تنها و یگانه تاز نیست.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَمَرْتَنَا فَعَصَيْنَا، وَنَهَيْتَ فَمَا انْتَهَيْنَا، وَذَكَرْتَنَا فَتَنَسَيْنَا،

بار الها؛ تو به ما دستور دادی ولی نافرمانی کردیم؛ و ما را بازداشتی ولی اجتناب نکردیم؛ و یادآوری کردی، و ما خود را به فراموشی زدیم؛

وَبَصَّرْتَ فَتَعَامَيْنَا، وَحَدَّرْتَ فَتَعَدَّيْنَا، وَمَا كَانَ ذَلِكَ جَزَاءَ إِحْسَانِكَ إِلَيْنَا،

و ما را بینا کردی، ولی ما خود را به کوری زدیم؛ و ما را بر حذر داشتی، و ما تجاوز کردیم؛ و به خوبی می دانم که این کارها پاداش احسان و نیکی تو نسبت به ما نمی باشد؛

وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا أَعْلَنَّا وَأَخْفَيْنَا، وَأَخْبِرُ بِمَا نَأْتِي وَمَا أَتَيْنَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و تو بهتر از ما، از کرده های پنهان و آشکارمان آگاهی؛ و آن چه را انجام خواهیم داد و در گذشته انجام داده ایم بهتر می دانی؛ پس، بر محمد و آل محمد درود بفرست

وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا أَخْطَأْنَا وَنَسِينَا، وَهَبْ لَنَا حُقُوقَكَ لَدَيْنَا،

و ما را مؤاخذه مکن به جهت گناهان و اشتباهات و فراموش کاری های مان و هر حقی که بر گردن ما داری ببخش؛

وَأْتِمِّ إِحْسَانَكَ إِلَيْنَا، وَأَسْبِلْ رَحْمَتَكَ عَلَيْنَا.

و احسان و نیکی هایت را بر ما کامل و تمام گردان؛ و رحمتت را بر ما سرازیر کن .

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهَذَا الصِّدِّيقِ الْإِمَامِ، وَنَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ لَهُ،

وَلَجَدَهُ رَسُولِكَ،

بار الها؛ ما، به واسطه این امام صدیق و راستگوی راستین، به تو توّسل می جوئیم و از تو درخواست می کنیم به خاطر حقّی که مخصوص او قرار دادی و مخصوص جدّش رسول خودت

وَلِأَبَوَيْهِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ أَهْلِ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، إِدْرَارَ الرِّزْقِ الَّذِي بِهِ قِوَامُ حَيَاتِنَا، وَصَلَاحُ أَحْوَالِ عِيَالِنَا،

و مخصوص پدرش علی و مادرش فاطمه، آن اهل بیت رحمت قرار دادی؛ رزق و روزی ما را که پابرجائی زندگی مان و اصلاح امور خانواده مان به آن بستگی دارد، افزون گردان؛

فَأَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذِي تُعْطِي مِنْ سَعَةٍ، وَتَمْنَعُ مِنْ قُدْرَةٍ،

زیرا تو کریم و بزرگواری هستی که با توانگری می بخشی، و از روی قدرت باز می داری؛

وَنَحْنُ نَسْأَلُكَ مِنَ الرِّزْقِ مَا يَكُونُ صَلاَحًا لِلدُّنْيَا، وَبِلاغًا لِلْآخِرَةِ.

و ما از رزق و روزی، مقداری می خواهیم که موجب صلاح دنیا و وسیله سعادت آخرت ما شود .

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

بار خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست

وَأَغْفِرْ لَنَا وَلِوَالِدَيْنَا، وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ،

و ما و پدر و مادر ما، و تمام زنان و مردان مؤمن و مسلمان را بیامرزد

الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، وَأَتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

که زنده و یا مرده اند؛ و در دنیا و آخرت، به ما خیر و نیکی عطا فرما، و از جهنم نگاه دار.

وقتی قنوت تمام شد، رکوع و سجده نموده و می نشینی و تشهد و سلام نماز را انجام می دهی و پس از آن که تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را گفتی، دو طرف صورتت را خاک آلود نموده و چهل بار بگو:

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»

«خدا منزّه است، ستایش ویژه اوست، و جز او معبودی نیست، و او بزرگ است.»

سپس از خدای تعالی بخواه که تو را از ارتکاب گناه باز دارد، و از عذاب خود نجات دهد و ببخشد، و توفیق انجام کارهای نیک که موجب تقرب به خدا می شود و باعث جلب رضایت او می گردد و پذیرش آنها را عطا کند. آنگاه نزد سر مطهر بایست و دو رکعت نماز مانند نمازی که پیش از این گفتیم به جای آور و پس از نماز، خود را به روی قبر مطهر بینداز و آن را ببوس و بگو:

زَادَ اللَّهُ فِي شَرَفِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

«خداوند شرافت شما را بیفزاید، و سلام و رحمت و برکات خداوند نیز به طور

آن گاه برای خودت، پدرت، مادرت، و هر کسی که می خواهی دعا کن. [۲]

علامه مجلسی رحمه الله می فرماید : نویسنده کتاب «المزار الکبیر» می گوید : زیارت دیگری برای امام حسین علیه السلام در روز عاشورا هست که از ناحیه مقدسه امام زمان ارواحنا فداه به یکی از نواب خویش صادر شده : نزد قبر آن حضرت می ایستی و می گویی : **السَّلَامُ عَلٰی اَدَمَ صِفْوَةِ اللّٰهِ مِنْ خَلِیْقَتِهِ** ، و زیارت را مانند آنچه نقل شد ادامه می دهد .

بدین سان روشن می شود که این زیارت به راستی از حضرت مهدی ارواحنا فداه روایت شده است. البته احتمال دارد که این زیارت به روز عاشورا اختصاص نداشته باشد ؛ چنان که سید مرتضی اعلی الله مقامه نیز همین اعتقاد را داشته است. [۳]

آیه الله سید احمد مستنبط رحمه الله نیز می نویسد: روایت زیارت ناحیه مقدسه دلالتی ندارد که خواندن آن ، به روز عاشورا اختصاص داشته باشد. [۴]